سه نکته اساسی در ارتباط والدین و مدرسه

والدین، کارفرمای مدرسه نیستند

الناز موسوی یکتا
نویسنده

همین چند روز پیش بود که در یکی از پیام‌رسان‌های وطنی وقتی می‌خواستم نام کسی را بیابم چشمم به عکس نمایه (بخوانید پروفایل) یکی از دوستان قدیمی‌ام افتاد. با تعجب دیدم که در میان تعداد زیادی دختربچه کوچک ایستاده و بنری هم از خداحافظی پایان سال تحصیلی پشت سرشان نصب شده. مابین اطلاعات ذهنم هرچقدر دنبال سابقه علمی و تحصیلی او گشتم ردی از معلمی نیافتم. دوستم دختری پر جنب‌وجوش، خانه‌دار، مادری موفق و عاشق کاشت گیاه و آشپزی بود. خانه‌اش گلخانه‌ای را می‌مانست که توسط یک باغبان چیره‌دست اداره می‌شود. همان موقع برخط بود (شما بخوانید آنلاین) پیام سلام و احوالپرسی دادم و زود جواب داد. بعد از تعارفات معمول گفتم فلانی چه عکس نمایه (بخوانید پروفایل) جالبی داری. در کمال تعجب گفت: «شاگردای پارسالم هستن. دلم براشون تنگ شده بود، نزدیک سال تحصیلی دوباره خواستم یادشون کنم» پرسیدم: «معلم شدی؟» گفت: «بله آن‌قدر که رفتم مدرسه دخترم و اومدم. به‌جای معلم‌های غایب مراقب بچه‌ها بودم و در فعالیت‌ها مشارکت کردم، اول رئیس انجمن اولیا ومربیان شدم و بعد به پیشنهاد مدیر در چند کلاس آموزش معلمی شرکت کردم و الان هم کلاس مستقل دارم.»

از قدیم هم می‌دانستم که مدارس از والدینی که مشارکت خوبی در فعالیت‌ها دارند برای مباحث فوق‌برنامه کمک می‌گیرند، اما نمی‌دانستم تا سرحد معلم شدن پیش می‌روند.

آیا حد تعاملی برای ارتباط والدین با مدارس وجود ندارد؟

یک والد تا چه حد اجازه دخالت در امور مدرسه را دارد؟

دانستن پاسخ این دو سؤال مهم می‌تواند مرز میان تعامل اولیا و مدرسه را طی سال تحصیلی مشخص کند، تا جایی که با چند پرسش و پاسخ دیگر، حد درخواست مجتمع‌های آموزشی از مادر و پدرها برای مشارکت در امور مراکز و بالعکس به‌صورت ملموسی قابل تشخیص خواهد بود.

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند. خانه، مدرسه اول فرزند و مدرسه، خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش‌ها و برنامه‌های هماهنگی نداشته باشند، در روند رشد کودک اختلال و تا برهم‌زدن آرامش دوران جوانی هم پیش خواهند رفت. بین روش‌ها و منش‌های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون، کار دیگری را خنثی نکند، بلکه به‌عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روش‌های گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیا را در امر تعلیم وتربیت فرزندانشان فراهم کند.

والدین وظیفه دارند به طور مرتب با مدرسه ارتباط داشته و با کسب اطلاعات کافی از وضع درس و اخلاقی دانش‌آموزان تصمیم معقولی برای مشارکت در تربیت اتخاذ کنند.

در این بین به سه نکته اساسی در ارتباط با مدرسه باید دقت کرد:

۱- حفظ آرامش را به‌عنوان یک اصل به‌خاطر داشته باشید.

گاهی ممکن است پدر و مادر با مشاهده ضعف درسی در دانش‌آموز یا ناآرامی‌هایی که خصوصاً در دوره ابتدایی بیشتر اتفاق می‌افتد، احساساتی شوند و به‌صورت خشن و برافروخته با اولیای مدرسه برخورد کنند. قطعاً چنین حالتی مخل برقراری ارتباط مؤثر با مسئولان مدرسه خواهد بود. آنچه انسان از آرامش به دست می‌آورد، از خشونت عاید او نمی‌شود.

۲- با مدرسه ارتباط مستمر داشته باشید اما نه هر روز.

معنای استمرار این نیست که هر روز سری به مدرسه بزنید، بلکه لازم است به طور مرتب در منزل به وضع درسی و رفتاری فرزند خود رسیدگی کنید و طبق اطلاعات به‌دست‌آمده، با مدرسه ارتباط برقرار نمایید. حد و تعداد دفعات حضور در مدرسه را نحوه و میزان رسیدگی به وضع دانش‌آموزان معلوم می‌کند. گاهی معلم جلساتی را در زمان‌های مختلف تشکیل می‌دهد و از والدین دعوت به عمل می‌آورد. حضور مرتب در این جلسات ضروری است و به هماهنگی اولیا ومربیان کمک می‌کند. در دنیای الکترونیک امروز معمولاً گروه‌های ارتباط والدین با معلم در پیام‌رسان‌ها تشکیل می‌شود که ضروری است اولیا هر روز آن جمع مجازی را بررسی کرده و طبق خواسته‌های معلم اهداف درسی را در خانه با دانش‌آموز دنبال کنند.

۳- در مدرسه ولی باشید، کارفرما نه.

والدین باید در مدرسه به‌عنوان ولی حضور پیدا کنند نه به‌عنوان فردی که در یک جای خاص مسئولیت دارد. اگر پدر یا مادر دانش‌آموز در وزارتخانه یا سازمانی، مسئولیت اجرایی سطح بالایی دارند و در آنجا به‌عنوان رئیس ایفای نقش می‌کنند و به تناسب مسئولیت، گاهی امر و نهی هم می‌کنند، نباید با همان شاکله و با همان انتظارات و تصورات وارد مدرسه شوند.

> خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند. خانه، مدرسه اول فرزند و مدرسه، خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش‌ها و برنامه‌های هماهنگ نداشته باشند، در روند رشد کودک اختلال و تا برهم‌زدن آرامش دوران جوانی هم پیش خواهند رفت

> والدین وظیفه دارند به طور مرتب با مدرسه ارتباط داشته و با کسب اطلاعات کافی از وضع درس و اخلاقی دانش‌آموزان تصمیم معقولی برای مشارکت در تربیت اتخاذ کنند.